

اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی در شهرستان بیرجند (دهه‌ی ۱۳۴۰.ش)

رابیه بیدبرگ^۱

زهرا علیزاده بیرجندی^۲

الهام ملک زاده^۳

چکیده

در آغاز دهه‌ی ۱۳۴۰ ش. برنامه‌ی اصلاحات ارضی در ایران اجرا شد، نظام زمین داری را دگرگون ساخت و روابط ارباب رعیتی تحت الشعاع آن قرار گرفت. اجرای این برنامه، روستاییان را صاحب زمین نمود و آنان را از زیر سلطه‌ی ارباب درآورد و روستاییان را مالک زمین‌هایی نمود، که روی آن کار می‌کردند. دولت ایران در دوره‌ی پهلوی دوم (محمدرضا شاه) تحت فشار آمریکا و جان. اف. کندی رئیس‌جمهور آن به منظور مقابله با نفوذ کمونیسم در ایران به یک سلسله اصلاحات اجتماعی به خصوص اصلاحات ارضی در کشور زد. اصلاحات ارضی اصل اول انقلاب سفید محمدرضا شاه پهلوی بود، که در سال ۱۳۴۰ ش. به اجرا درآمد. هدف دولت پهلوی از انجام برنامه‌ی اصلاحات ارضی، ایجاد یک پایگاه اجتماعی برای خود در میان روستاییان بود. اصلاحات ارضی در ایران در سه مرحله اجرا شد و از زمان اجرایی شدن، پیامدهای متعدد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به دنبال داشت. از همان آغاز اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی، این برنامه در شهرستان بیرجند نیز اجرا شد. اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی در بیرجند نیز سه مرحله داشت، که هر سه مرحله‌ی آن به طور کاملاً محدود و پراکنده در این شهرستان انجام شد. نگارنده در این مقاله به دنبال بررسی روند اجرای اصلاحات ارضی در شهرستان بیرجند است. با اجرا شدن مراحل اصلاحات ارضی در این استان، بیرجند نیز تحت الشعاع آن قرار گرفت و این برنامه در آن جا نیز به اجرا درآمد.

واژگان کلیدی: اصلاحات ارضی، روستا، بیرجند.

Bidbarg.rabiye@yahoo.com

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه بیرجند نویسنده مسئول.

^۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند

^۳ عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یکی از حوادث مهم دوره ی پهلوی دوم انقلاب سفید بود، که با ۶ اصل آغاز شد. اصلاحات ارضی یکی از اصول مهم آن می باشد، که در سال ۱۳۴۰ ش. توسط رژیم پهلوی در سه مرحله انجام شد. این اقدام یک سلسله پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی به دنبال داشت و در نهایت در سال ۱۳۵۱ ش. به پایان رسید.

محمدرضا شاه با هدف حفظ و تقویت موقعیت خود در مقابل مخالفانش و کسب حمایت کشاورزان به عنوان حامیان نظام سنتی، اصلاحات ارضی را در سراسر کشور به اجرا درآورد. در شهرستان بیرجند نیز اصلاحات ارضی اجرا شد. در مرحله ی اول اصلاحات ارضی در بیرجند، شماری از عمده مالکان آن جا از جمله خاندان علم مقداری از اراضی خود را به سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستایی بیرجند واگذار و قیمت اراضی آن ها براساس میزان مالیاتی که می پرداختند، تعیین شد. البته در این میان مالکانی هم بودند که با ماشینی کردن اراضی خود از تقسیم آن ها جلوگیری نمودند. در مرحله ی دوم اصلاحات ارضی، اکثر مالکان بیرجند از میان ۵ بند الحاقی به قانون اصلاحات ارضی، بند اول یعنی اجاره زمین به رعایا را انتخاب کردند و هم چنین مالکانی هم بودند که مقداری از اراضی خود را به رعایای خود فروختند و یا با توافق یک دیگر یک واحد سهامی زراعی تشکیل دادند. بیشتر زمین هایی که در مرحله ی دوم به رعایا اجاره داده شد، زمین های وقفی (وقف خاص و وقف عام) بود. مرحله ی سوم اصلاحات ارضی که به دنبال نارضایتی رعایا از بند الحاقی اجاره به اجرا درآمد، در بیرجند نیز اجرا شد. در این مرحله، رعایا صاحب زمین هایی شدند که در مرحله ی قبل اجاره کرده بودند. در واقع، در این منطقه رعایا صاحب زمین های وقفی شدند که قبلاً اجاره کرده بودند و هم چنین بیشتر زمین هایی که مجهول المالك بود، به روستاییان این شهرستان فروخته شد. اجرای برنامه ی اصلاحات ارضی، روستاییان کشور را صاحب زمین کرد؛ اما تعداد این تازه مالکان در شهرستان بیرجند بسیار کم بود، زیرا بیشتر اراضی مرغوب و آباد در این منطقه به خاندان با نفوذ علم تعلق داشت، که آن ها با استفاده از نفوذ خود و برخی ترفندها توانستند از تقسیم اراضی شان جلوگیری کنند و آن دسته از مالکان دیگر که املاکشان مشمول اصلاحات ارضی شد چندان زیاد نبود که بتواند تمامی رعایا را صاحب زمین کند. هدف این مقاله بررسی و ذکر روند اجرای مراحل اصلاحات ارضی در شهرستان بیرجند است.

بیش تر تحقیقاتی که در زمینه ی اصلاحات ارضی نگاشته شده است، فرایند این برنامه را در سراسر کشور ذکر می کنند؛ اما اجرای مراحل اصلاحات ارضی در بیرجند به شیوه ای مستقل ارزیابی نشده است. لذا این پژوهش به دنبال آن است که با روش توصیفی - تحلیلی اجرای اصلاحات ارضی را در شهرستان بیرجند بررسی نماید.

اصلاحات ارضی در ایران

اصلاحات ارضی به دنبال تغییر سیستم مالکیت و بهره برداری از زمین های کشاورزی است، که در نظام های سیاسی مختلف به شیوه های گوناگون به آن عمل می شود. اقدام به تغییر سیستم مالکیت و بهره برداری از زمین های زراعتی غالباً علاوه بر عوامل اقتصادی، انگیزه های سیاسی و در نتیجه پیامدهای سیاسی به دنبال دارد (طلوعی، ۱۳۷۲: ۱۶۳) و انگیزه های شکل گیری اصلاحات ارضی می تواند با هدف جلوگیری از انقلاب توده های کشاورز انجام شود و یا مقاصد اجتماعی محض داشته باشد (سعیدیان، ۱۳۷۸: ۴۰۹). در هر صورت اصلاحات ارضی یک حرکت انقلابی برای مهار انقلاب توده ها می باشد.

اصلاحات ارضی مجموعه عملیاتی است که هدفش تغییر ساخت اراضی در یک کشور و یا منطقه از طریق اصلاح روابط اجتماعی به منظور بهبود فن ها و شیوه های زراعی و افزایش تولید کشاورزی است. ولی این واژه در ایران بیشتر معادل تقسیم زمین گرفته شده است و مراد از انجام برنامه ی اصلاحات ارضی ایجاد تغییراتی در جهت سیاست های اقتصادی و اجتماعی دیکته شده از سوی آمریکا بود (طالب، ۱۳۶۸: ۱۵).

پیشینه اصلاحات ارضی در ایران را می توان به زمان نهضت میرزا کوچک خان جنگلی (۱۲۸۶-۱۳۰۰) نسبت داد که در پی آن املاک وسیعی توسط اطرافیان میرزا کوچک خان به تصرف درآمد و میان رعایا تقسیم گردید، عوارض زمین داری و بیگاری منسوخ شد، اصلاحات ارضی نهضت جنگل، مدت زیادی دوام نیاورد؛ چون نهضت آن ها خیلی زود توسط حکومت مرکزی شکست خورد. پاره ای تغییرات در مناسبات زمین داری نیز بعد از این که رضاخان قدرت را در ۱۳۰۴ ش. به دست گرفت، به وجود آمد. دلیل عمده این تغییرات، گسترش قدرت حکومت مرکزی، به منظور کاهش قدرت سیاسی محلی مالکان بود. املاک زیادی از مالکان به ضرب و شتم از دستشان خارج گردید و هم چنین در رابطه با املاک دولتی و موقوفه تغییراتی صورت گرفت. برای گسترش مالکیت رعیتی مقداری از املاک خالصه به آن ها واگذار شد؛ اما تعداد کمی از رعایا صاحب زمین شدند، زیرا بیشتر املاک توسط مالکان بزرگ ضبط شد.

در سال ۱۳۲۴ ش. فرقه دموکرات کنترل آذربایجان را به دست گرفتند و جمهوری خودمختار آذربایجان را برقرار ساختند. این فرقه سعی در تصویب قانونی به منظور تقسیم اراضی بین دهقانان نمود و یک سال بعد در سال ۱۳۲۵ ش. قوای دولت مرکزی بر فرقه مذکور فایق آمد و قانون اصلاحات ارضی آن ها نیز منسوخ گردید. در دوره دکتر مصدق برخی اقدامات جزئی در مورد اصلاحات ارضی صورت گرفت، یکی تصمیم محمدرضا شاه در مورد روستاهایی بود که توسط پدرش به زور از مردم گرفته بود. نتیجه این عمل تقسیم نزدیک به ۲۱۰۰ ده در میان روستاییان بود. اقدام دوم در زمینه اصلاحات ارضی، شامل دو تصویب نامه مهم در مورد تغییر مناسبات زمین داری بود. برطبق این دو تصویب نامه مالکان وادار شدند که ۱۰ درصد از سهم مالکانه ی خود را به رعایا واگذار کنند و ۱۰ درصد دیگر را به صندوقی که به منظور توسعه روستایی به وجود آمده بود واریز کنند؛ اما این تصویب نامه ها به نفع مالکان اصلاح شد و مالکان به رعایا

به جای ۱۰ درصد ۲/۵ درصد و به صندوق توسعه نیز ۵ درصد اختصاص دادند. در بین سال های ۱۳۳۲ و ۱۳۴۱ ش. تلاش دیگری در جهت اصلاح نظام زمین داری صورت گرفت و اراضی مالکان را در اراضی آبی به ۴۰۰ هکتار و در اراضی دیم به ۸۰۰ هکتار محدود ساخت. اجرای قوانین تصویب شده به کندی صورت می گرفت؛ زیرا قبل از تقسیم می بایست اراضی اندازه گیری می شد. این عمل به مالکان فرصت داد که اراضی خود را به اقوام و نزدیکان خود منتقل کنند. اولین قانون اصلاحات ارضی در دوره نخست وزیری دکتر اقبال وضع گردید، که مبتکر و طراح آن جمشید آموزگار، وزیر کشاورزی کابینه ی اقبال بود. این قانون اصلاحات ارضی در مجلس، که اکثریت نمایندگان آن مالکان و زمین داران بودند، با مقاومت زیادی روبه رو شد و سرانجام با تغییراتی به تصویب رسید؛ ولی عمر دولت اقبال نیز با تصویب این قانون به سر رسید و اجرای آن در دولت های بعدی صورت گرفت (طلوعی، ۱۳۸۳: ۴۲۴).

رژیم پهلوی به علت مشکلات اقتصادی و بحران های سیاسی و تحت فشار دولت آمریکا مجبور به انجام یک سلسله اصلاحات اجتماعی به ویژه اصلاحات ارضی در کشور شد (ازکیا، ۱۳۷۰ الف: ۱۰۶-۱۰۸). بنابراین محمدرضا شاه زیر فشار آمریکایی ها، علی امینی را که با آمریکایی ها، به خصوص رئیس جمهور آمریکا، کندی رابطه ی دوستانه داشت با اختیارات کامل به نخست وزیری منصوب کرد. او مجری برنامه ها و مدافع منافع آمریکا در ایران شد (مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۶۹: ۳۰۶-۳۰۸). قانون اصلاحات ارضی تصویب شده در دوره ی قبل، که قانونی برای تثبیت مالکیت مالکان در ایران بود؛ در زمان علی امینی، دولت با مطالعات و بررسی های مفصلی که بر روی آن انجام داد اصلاحیه ای بر آن نوشت و در تاریخ ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ ش. به تصویب هیأت وزیران رساند و به اجرا گذاشت (وزارت کشاورزی. اطلاعات و روابط عمومی، ۱۳۴۰: ۳۶-۳۸).

رژیم شاه در ظاهر، سه هدف عمده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای اجرای برنامه ی اصلاحات ارضی در نظر داشت. مهمترین هدف سیاسی - اجتماعی آن، کاستن قدرت سیاسی مالکان بزرگ و ایجاد پایگاه اجتماعی برای رژیم در میان روستاییان بود. اهداف اقتصادی آن نیز، جایگزین کردن زراعت سودآور به جای زراعت سنتی، افزایش بازار خرید روستاییان و بهره‌وری کشاورزی و به کارگیری نیروی مازاد در صنایع شهری بودند. به عبارت دیگر، افزایش تولید و خارج نمودن کشاورزان از انزوای اقتصادی و خودمصرفی، فراهم کردن زمینه ورود آنان به حوزه بازار و مبادله، تبدیل کشاورزان به قشر مصرف کننده و کشاندن آنها به درون شبکه اقتصادی مبتنی بر سود و زیان تولیدی از هدف های اساسی اصلاحات ارضی بود (خلجی، ۱۳۸۱: ۸۰ - ۸۱).

رژیم پهلوی با هدف های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برنامه ی اصلاحات ارضی خود را به انجام رساند که مهمترین اهداف آن در زمینه اجتماعی عبارتند از:

۱. ایجاد یک پایگاه اجتماعی در میان روستاییان برای خود؛

۲. ایجاد یک طبقه از کشاورزان مرفه (ازکیا، ۱۳۷۰ ب: ۲۰۹).

دولت با در نظر گرفتن اهداف قانون اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ ش. وارد مراحل اجرایی آن گشت. برنامه‌ی اصلاحات ارضی در سه مرحله اجرا شد. مرحله اول اصلاحات ارضی با هدف تقسیم اراضی بزرگ مالکان غایب از ده و محدود کردن مالکیت به میزان یک ده شش دانگ بود. طبق این قانون مالکیت زمین به نسبت میزان نسق زارعان^۴ به آنان به طور دسته جمعی واگذار گردید. به مالکان نیز اجازه داده شد یک ده شش دانگ یا شش دانگ پراکنده از دهات خود را حفظ کرده و بقیه را به دولت بفروشند. مستثنی کردن یک ده شش دانگ در واقع، پاداش خوبی بود که مالکان از دولت دریافت داشتند. به علاوه در اصلاحیه‌های بعدی که به قانون الحاق گردید از این قبیل ارفاق‌ها در حق مالکان فراوان دیده می‌شد. برطبق مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی، مالک می‌توانست تا ۵۰۰ هکتار از اراضی خود را کشت ماشینی نماید و از این طریق اراضی خود را از قانون اصلاحات ارضی مستثنی کند. مرحله دوم اصلاحات ارضی با هدف حذف نظام سهم بری بدون تغییر نظام زمین داری بود. در مرحله دوم اصلاحات ارضی، به مالکانی که روستاهای خود را از مرحله اول مستثنی ساخته بودند انتخاب یکی از راه حل‌های زیر پیشنهاد شد: ۱- اجاره دهات و اراضی به رعایا؛ ۲- فروش اراضی به رعایا؛ ۳- تقسیم زمین به نسبت بهره مالکانه؛ ۴- تشکیل واحدهای سهامی زراعی؛ ۵- خرید حق ریشه زارعان. اجرای مرحله دوم تا سال ۱۳۵۱ ش. به طول انجامید. مرحله سوم اصلاحات ارضی، در نتیجه‌ی افزایش نارضایتی زارعان طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ ش. که ناشی از بند الحاقی اجاره داری در مرحله دوم بود توسط دولت به اجرا درآمد. در این مرحله، به مالکان پیشنهاد دادند که یا زمین زراعی را به نسبت بهره مالکانه میان خود و اجاره داران تقسیم کنند و یا به رعایا بفروشند (همان: ۲۱۰-۲۱۳).

اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی در روستاها یک سلسله پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به دنبال داشت. در نتیجه‌ی اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی، نفوذ سیاسی حکومت در روستاها افزایش پیدا کرد و جایگزین نفوذ مالکان گردید. سپاه بهداشت، سپاه دانش، سپاه ترویج و آبادانی، سازمان‌های دولتی و نهادهای روستایی (تعاونی‌ها، واحدهای اعتباری، خانه‌های انصاف) هر یک به نوعی باعث تحکیم پایه‌های قدرت حکومت مرکزی در روستاها شدند (فوران، ۱۳۷۷: ۴۷۷). در زمینه اقتصادی نیز نابرابری در سطح درآمد و زندگی و از بین رفتن شیوه‌های تولید سنتی به وجود آمد. در زمینه اجتماعی، تغییر در بنیان و ترکیب طبقات روستا به خصوص رشد طبقه دهقانان متوسط بود (عجمی، ۱۳۴۸: ۴۲، ۴۶ - ۴۷)؛ اما یکی از پیامدهای ناخواسته و جدی اصلاحات ارضی ایران، افزایش شکاف میان طبقات مختلف جامعه روستایی به خصوص دو طبقه‌ی نسق داران که حق کار کردن بر روی قطعه زمین خاصی را داشتند، و خوش نشینان که از چنین حقی بی بهره بودند، شد. قانون اصلاحات ارضی به نسق داران که تنها کشاورزانی بودند که زمین دریافت می‌کردند، مدد رساند اما خوش نشینان در این برنامه نادیده گرفته شدند و در نتیجه، وضعیت آن‌ها پیوسته رو

^۴ . زارعانی است که به صورت دسته جمعی روی زمین مالکان کار می‌کردند و هر یک از آنها سهمی روی آن زمین داشتند که به آن نسق زراعی می‌گفتند. در نتیجه قرار شد که طبق قانون مرحله اول اصلاحات ارضی، به هر یک از آن زارعان به میزان نسقی که داشتند زمین داده شود.

به وخامت گذاشت. در حالی که وضعیت کشاورزان نو مالک تا حدودی بهبود یافته بود. نتیجه ی امر، افزایش تنش بین این دو گروه روستایی بوده است (بیل، ۱۳۸۷: ۲۴۰-۲۵۰). یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی اصلاحات ارضی، افزایش مهاجرت و جابجایی جمعیت از روستا به شهر می باشد. همین امر به نوبه خود باعث خالی شدن روستاها از نیروی کار (سوداگر، ۱۳۶۹: ۳۶۷) و کاهش شاغلین در بخش کشاورزی و افزایش پر شتاب جمعیت شهرها و بالا رفتن میزان بیکاری گردید (تجدد، ۱۳۸۷: ۵۴). با مهاجرت روستاییان که بیشترین مهاجرین را جوانان تشکیل می دادند، نیروی انسانی روستاها رو به زوال رفت (پورافکاری، ۱۳۵۲: ۴۹).

اصلاحات ارضی در بیرجند

اصلاحات ارضی در ایران در سال ۱۳۴۰ ش. به اجرا درآمد و سه مرحله داشت. هدف مرحله اول حل مسأله زمین داری از طریق تقسیم زمین و واگذاری آن به روستاییان بود و مرحله دوم، بیشتر روی شکل اجاره داری تمرکز یافته بود و با هدف حفظ مالکیت مالکان اجرا شد، به گونه ای که اجرای آن، نتایج مطلوبی به بار نیآورد تا این که مرحله ی سوم به منظور از بین بردن انواع مالکیت های خصوصی، حل مسأله ی اجاره داری به اجرا گذاشته شد و اصلاحات ارضی رسماً در ۱۳۵۱ ش. به پایان رسید (ازکیا، ۱۳۷۰ الف: ۱۰۹-۱۱۶). در شهرستان بیرجند از همان آغاز اجرای برنامه ی اصلاحات ارضی، این برنامه اجرا شد؛ اما بسیار محدود و پراکنده بود و روستاییان زیادی را شامل نشد و آن ها متوسط زمینی که برای کشت یک خانوار لازم بود را به دست نیآوردند (اداره کل جهاد کشاورزی شهرستان بیرجند اسناد مربوط به اداره اصلاحات ارضی).

مرحله اول اصلاحات ارضی در شهرستان بیرجند

اجرای قانون ۱۳۴۱/۱۰/۱۹ ش. به عنوان مرحله اول اصلاحات ارضی شناخته شد (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۰۹). هدفش تقسیم اراضی بزرگ مالکان غایب از روستا و محدود کردن مالکیت آنها به میزان یک روستا بود (ازکیا، ۱۳۷۰ الف: ۱۱۰). مرحله اول اصلاحات ارضی در تقسیم زمین و درهم ریختن قدرت بزرگ مالکان موفق بود؛ اما روستاهایی که مستقیماً تحت مرحله ی اول اصلاحات ارضی قرار گرفت نسبت بسیار کمی را در مقایسه با کل روستاهای کشور تشکیل می داد. اجرای مرحله اول دو سال به طول انجامید و رسماً در مهر ۱۳۴۳ ش. به پایان رسید (همان: ۱۱۰-۱۱۳). کار اصلاحات ارضی در ۱۱ اسفند ۱۳۴۱ ش. از مراغه شروع شد (مومنی، ۱۳۵۹: ۲۷۱). ارسنجانی، وزیر کشاورزی، شهر مراغه را به این علت برای شروع اصلاحات ارضی انتخاب کرد چون بیشتر مالکان آن جا دور از املاک خود می زیستند و مالک عمده محسوب می شدند و از طرفی نیز زارعان آن جا هنوز خاطره ی تجربه ی اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی توسط حکومت دموکرات آذربایجان را در ذهن داشتند (هوگلاند، ۱۳۸۳: ۱۱۰) و بعد از آن به تدریج دیگر نقاط کشور را فرا گرفت.

برنامه ی اصلاحات ارضی همان طور که گفته شد از مراغه شروع و بعد روستاهای شهرهای نزدیک آن جا یعنی هشترود، میاندوآب، شاهین دژ، تکاب را فرا گرفت و بعد از آن جا به سایر استان ها نظیر قزوین، مرکزی، گیلان، اردبیل و مانند آنها سرایت کرد (همان: ۲۱۰-۲۱۱). اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی در استان های مختلف یکسان نبود و این امر ناشی از شیوه های مختلف زمین داری بود که در استان های کشور وجود داشت و از لحاظ سرعت تقسیم زمین در ماه های اولیه ، بیشترین روستاها در خراسان تقسیم شد (ازکیا، ۱۳۷۰ الف: ۱۱۲-۱۱۳). بیرجند به عنوان یکی از شهرستان های خراسان که در قسمت جنوبی این استان قرار دارد نیز تحت تأثیر این برنامه قرار گرفت و قانون مرحله ی اول اصلاحات ارضی در آن جا اجرا شد.

در شهرستان بیرجند با اجرای مرحله ی اول اصلاحات ارضی تعداد ۱۰ روستای شش دانگ و ۳۱ روستای کمتر از شش دانگ که مازاد بر حد نصاب مالکان بود مشمول مرحله ی اول اصلاحات ارضی شد. تمام این روستاها به مبلغ ۸۴۹۴۷۵۹ ریال از مالکان شان خریداری و به ۵۳۵ کشاورز (زارع صاحب نسق) واگذار شد که با در نظر گرفتن تعداد اعضای خانوادهایشان حدود ۲۶۴۲ نفر صاحب آب و زمین شدند (اداره ی کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان، ۱۳۴۹: ۱۶). اما ست کوپاتکو^۵ در کتاب توسعه ی اقتصادی استان خراسان بیان می کند که در مرحله اول ۳۷ روستا را شامل شد و کلاً ۴۲۳۸ هکتار زمین بین زارعان تقسیم شد که از این مقدار ۹۳۴ هکتار آبی، ۶۱۱ هکتار دیمی و ۲۶۹۳ هکتار را اراضی کشت شده تشکیل می داد. بدین ترتیب ۲۲ درصد از این اراضی را اراضی کشت آبی، ۱۴/۴ درصد را اراضی کشت دیم و ۶۳/۶ درصد را اراضی کشت نشده و بایر تشکیل می داد. متوسط اراضی آبی که بر اثر اصلاحات ارضی نصیب هر خانوار روستایی شده است ۴ هکتار و اراضی دیمی ۲/۶ هکتار برآورد شده است. بدین ترتیب فقط ۱ درصد از جمعیت روستایی یعنی ۲۳۴ خانوار بر اثر مرحله اول اصلاحات ارضی صاحب زمین شده اند (مکانیکی، ۱۳۷۲: ۱۲۰). از طرفی نیز بنا بر مطالعه ای که مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸ ش. از تعدادی از روستاهای بیرجند انجام داد نشان می دهد که فقط اراضی آبی در این منطقه تقسیم شده است زیرا اراضی دیمی به علت کمبود آب ارزش اقتصادی زیادی نداشتند. در نتیجه ی تقسیم اراضی به هر زارع صاحب نسق ۵/۹۳ رسید در حالی که برای تأمین معاش هر خانوار بیرجندی حدود ۲/۸۲ هکتار دیگر نیز لازم بود (دانشگاه تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش روستایی، ۱۳۴۸: ۲۷۰-۳۲۲).

در بیرجند نیز قیمت املاک واگذار شده براساس مالیات املاک مزروعی پرداخت شده و ضریب منطقه تعیین گردید. بنابراین ارزش زمین با توجه به ضریب منطقه، چندین برابر مالیات پرداختی مالکان سابق بود. در آن جا آن دسته از مالکان که داری نفوذ بودند به علت پرداخت مالیات کم، ارزش زمین های آن ها کم تعیین شد در حالی که آن دسته از

^۵ . Set kopetko

مالکان ضعیف تر که مالیات زیادی می پرداختند، از فروش املاک خود سود بردند. در برخی نقاط این منطقه برخی از مالکان اصلاً مالیات نمی دادند قیمت اراضی آن ها نیز براساس مالیات پرداختی نزدیک ترین روستا که مالک آن جا مالیات می داد تعیین شد. این نوع ارزیابی اراضی واقعی و اصولی نبود، بلکه تنها راه حلی بود برای سرعت در اجرای قانون اصلاحات ارضی؛ زیرا اولاً عده ی بسیار کمی از افراد عادت به پرداخت مالیات داشتند و از طرف دیگر، سیستم ممیزی درست و علمی در کشور وجود نداشت و بیشتر مالیات ها حدسی تعیین می شد (دانشگاه تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش روستایی، ۱۳۴۶: ۱۳۴ - ۱۳۵). از جمله می توان به خاندان علم اشاره کرد. به علت نفوذی که در منطقه داشتند و از عمده مالکان آن جا محسوب می شدند و از طرفی، به علت نفوذ سیاسی که در دستگاه حکومت داشتند مالیات خود را پرداخت نمی کردند و یا پرداخت آن را به تعویق می انداختند. بنا به یک سند مربوط به دفتر صاحب کاری (نماینده ی اسدالله علم) که در تاریخ ۱۳۴۹/۶/۲۴ ش. تنظیم شده بود بیان می کند که مبلغ ۴۷۶۸۸ ریال بابت مالیات سال های ۳۴ تا ۴۲ ش. که مربوط به املاک شوکت الملک و وارثان او خدیجه علم، اسدالله علم، زهره و بلقیس علم و هم چنین املاک شخصی اسدالله علم که از سال ۴۲ تا ۴۸ ش. مالیاتشان پرداخت نشده است و از طرف اداره ی دارایی نامه ای مبنی بر پرداخت مالیات های معوقه رسیده است. که این مالیات ها در تاریخ ۴۹/۶/۲۴ ش. توسط نماینده علم پرداخت شد و مدارک آن را در دفتر صاحب کاری ضمیمه نمود (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۸۰۸۵). آن ها هم چنین از این نفوذ خود در انجام اصلاحات ارضی و جلوگیری از تقسیم و یا اعتراض به قیمت تعیین شده برای اراضی شان نیز استفاده کردند و قوانین ۳ مرحله ی اصلاحات ارضی در خصوص آبادی های آن ها اجرا نشد (اداره کل امور عشایر خراسان، ۱۳۷۴: ۱۱ - ۱۲). مثلاً مرتضی جانباز نماینده خدیجه علم در طی یک نامه ای به سازمان اصلاحات ارضی شهرستان بیرجند در مورد قیمتی ۷۰۰ هزار ریال یا ۹۰۰ هزار ریال که برای روستای حاجی آباد تعیین شده بود اعتراض نمود و مبلغ بیشتری را در عوض روستای واگذاری خود مطالبه نمود (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۳۱۶۹۴).

براساس مطالعات و بررسی های انجام شده توسط بخش تحقیقات روستایی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۶ ش. در مورد وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاهای بیرجند که در طی آن ۵۵ روستا مورد بررسی قرار گرفت، مشخص گردید که هر یک از خانواده های روستایی بیرجند که قانون اصلاحات ارضی شامل حال آن ها شده است ۳ هکتار زمین آبی به دست آوردند. هر یک از این دهقانان در قبال پرداخت زمین، ابتدا نقد مبلغ ۴۲۱۵ ریال پرداخت نمودند و مابقی را در طی ۱۴ قسط و هر قسط به مبلغ ۱۴۰۵ ریال باید می پرداختند که باید در طی ۱۵ سال پرداخت می شد. اکثر زارعان بیرجند که در مرحله ی اول صاحب زمین شدند اقساط خود را مرتب پرداخت نمودند (دانشگاه تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بخش روستایی، ۱۳۴۶: ۱۳۵؛ دانشگاه تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش روستایی، ۱۳۴۸: ۳۱۸).

در جریان اصلاحات ارضی در بیرجند تمام زمین هایی که میان اعضای نسق تقسیم شد، زمین های آبی بود یعنی علاوه بر زمین به آن ها، آب نیز فروختند. بقیه زمین ها در اثر خشک سالی های پی در پی و کمبود آب کشت نمی شد و به صورت بایر درآمده بود. در نتیجه اراضی دیمی به تمامی زارعان بیرجند که شامل اعضای نسق و غیر نسق بود تعلق داشت. در این شهرستان نیز مانند سراسر کشور مبنای واگذاری زمین نسق بود، صاحب نسق حق دریافت زمین را داشت و کسی که زمین می گرفت به او زمین آبی می دادند. این گونه بود که زمین های دیمی به تمامی روستاییان می رسید. در برخی از نقاط بیرجند بر خلاف سراسر کشور که کارگران کشاورزی که از دریافت زمین محروم بودند زمین دریافت کردند. آن ها مقداری زمین دیمی که ارزش اقتصادی نداشت به دست آوردند. بنابراین با در نظر گرفتن مقدار زمین تقسیم شده و تعداد افرادی که صاحب زمین شدند، روشن است که سهم هر یک از زارعان یک هکتار و یا کم تر از یک هکتار بوده است. به علت کمبود آب و زمین آبی در این ناحیه از کشور بیشتر زارعان مقدار زمین کمی دریافت کردند؛ زیرا در بیرجند فقط زمین های آبی تقسیم شد و چون مقدار زمین های آبی کم بود در نتیجه هر یک از اعضای نسق زمین کمی به دست آوردند (همان، ۱۳۴۶: ۳۷).

بنابر اسناد موجود درباره مرحله اول اصلاحات ارضی در بیرجند، می توان گفت که روستاهایی که مشمول مرحله اول اصلاحات ارضی شدند در آن ها علاوه بر تقسیم زمین، آب نیز تقسیم شده است. در این شهرستان، اکثر اراضی با قنات ها مشروب می شدند و شماری از روستاها علاوه بر قنات چشمه و رودخانه داشتند. در اکثر این روستاها علاوه بر اراضی کشاورزی (زمین های آبی)، اراضی موات و بایر نیز در میان روستاییان تقسیم شد و برخی از خوش نشینان منطقه علاوه بر زارعان سهم بر، در شمار کسانی قرار گرفتند که از زمین های دیمی و خشک سهم بردند، اما همان طور که بخش مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران نشان داد بیشتر زمین های دیمی آن جا خشک و چندان قابل بهره وری نبود و ارزش اقتصادی چندانی نداشت و به تمام روستاییان تعلق داشت (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج ۱۰. ایران، سند شماره ۱۲۱۹۶/۳۲۰). مثلاً روستای حاجی آباد واقع در بیرجند که از املاک خدیجه علم بود در مرحله ی اول اصلاحات ارضی به سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستایی شهرستان بیرجند واگذار شد. میزان مالکیت این روستا شش دانگ بود. قیمت این روستا به مبلغ ۷۰۰ هزار ریال یا ۹۰۰ هزار ریال از سوی سازمان تعیین شد و از مالک او خدیجه علم خریداری شد. در این روستا علاوه بر اراضی کشاورزی، قنات و حقا به سازمان واگذار شد. بنابراین در آن جا علاوه بر زمین، آب نیز میان روستاییان تقسیم شد (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۳۱۶۹۴؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج ۱. ایران، سند شماره ۱۲۱۹۶/۳۲۰) و هم چنین روستای صلیانی که متعلق به اسدالله علم بود در مرحله ی اول اصلاحات ارضی و در تاریخ ۱۳۴۲/۱۰/۱۲ ش. به سازمان اصلاحات ارضی شهرستان بیرجند واگذار و مشمول این مرحله شد. میزان مالکیت او ۱۲۶ سهم بود که از این مقدار ۴ سهم آب و زمین به زارعان واگذار شد. چون بهاء و ارزش اراضی براساس مالیات و ضریب منطقه تعیین می شد ضریب این روستا ۱۵۰ بود که در قبال آن ۹۹۸۰۲۵ ریال به اسدالله علم پرداخت شد (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۳۱۶۹۴). زهره و بلقیس علم در روستاهای

صلایانی و آب کوه خضری دارای سهم بودند که در مرحله اول اصلاحات ارضی، اراضی شان به سازمان اصلاحات ارضی واگذار شد و بعد به زارعان فروخته شد (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۷۴۱۷). روستای بهلگرد مشمول مرحله ی اول اصلاحات ارضی شد و ۱۱۵ سهم از ۹۶۰ سهم این روستا جمعاً به مبلغ ۴۵۱۶۲ هزار ریال از مالکان آن جا خریداری و به مبلغ ۴۹۶۷۸ هزار ریال به تعداد ۷ نفر از زارعان صاحب نسق آن جا واگذار شد و برای مالکان جدید سند صادر شد و اسناد مربوطه را اداره ی اصلاحات ارضی این شهرستان به بانک کشاورزی تحویل داد. لازم به ذکر است که از میان ۱۱۵ سهم واگذار شده در این روستا، ۳۴ سهم متعلق به خدیجه علم بود که در این مرحله به سازمان اصلاحات ارضی واگذار کرد و به زارعانی که روی اراضی او کار می کردند واگذار شد و به هر زارع مقدار ۴ سهم رسید در حالی که در اسناد داده شده به زارعان میزان ۸/۵ سهم قید شده بود (اداره ی کل جهاد کشاورزی شهرستان بیرجند اسناد مربوط به اداره اصلاحات ارضی).

دولت اگرچه در مرحله اول اصلاحات ارضی می خواست مالکیت مالکان را محدود کند اما به مالکان اجازه داد که یک روستای شش دانگ یا شش دانگ پراکنده از روستاهای خود را حفظ کنند و بقیه را به دولت بفروشند. مستثنی کردن یک روستای شش دانگ در واقع پاداش خوبی بود که مالکان از دولت دریافت داشتند. به علاوه بر اصلاحیه های بعدی، به قانون اصلاحات ارضی از این قبیل ارفاق ها در حق مالکان فراوان دیده می شد. بر طبق مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی، مالک می توانست تا ۵۰۰ هکتار از اراضی خود را کشت ماشینی نماید و از این طریق اراضی خود را از قانون مستثنی کند (از کیا، ۱۳۷۰: ۲۱۰-۲۱۱). مالکان بیرجند از جمله خاندان علم مالکیت خود را در روستاهای مختلف از طریق واگذاری شش دانگ پراکنده حفظ کردند، روستای صلایانی که در بالا ذکر شد نمونه ای از این روستاها بود. هم چنین اسدالله علم برای این که از تقسیم املاک فرزندان خود در روستای اسدآباد جلوگیری کند توسط نماینده ی خود مرتضی جانباز از سازمان اصلاحات ارضی درخواست کرد که براساس ماده ۱۹ و ۲۰ قانون اصلاحات ارضی، آن روستا کشت ماشینی شناخته شود. مهندس والی رئیس سازمان اصلاحات ارضی بیرجند در تاریخ ۴۲/۲/۲۷ با درخواست آن ها موافقت نمود و آن جا را کشت ماشینی و از قانون مستثنی اعلام کرد (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۵۸۰۸).

در مرحله اول اصلاحات ارضی علاوه بر خاندان علم که اراضی خود را به دولت واگذار کردند و میزان مالکیت آن ها به مقدار بسیار کمی کاهش یافت، مالکان دیگری نیز بودند که اراضی آن ها نیز مشمول مرحله ی اول اصلاحات ارضی گردید و با واگذاری اراضی شان میزان مالکیت آن ها نیز کاهش یافت. محمدرضا سینائی صاحب مزرعه ده فورگ، حسین سارانی مالک ۴ مزرعه دستگرد، طلعت مرادی مالک رودهن، شاه پری نخعی و میراسلام امیر اسلام و میر معصوم شیبانی و اسماعیل حسینی و مانند آن ها در جریان مرحله اول اصلاحات ارضی، اراضی خود را به دولت فروختند. آن ها علاوه بر اراضی کشاورزی، اراضی موات و بایر و هم چنین قنات ها، حقاچه ها و چشمه های خود را نیز به دولت واگذار کردند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.۱. ایران، سند شماره ۱۲۱۸۱/۳۲۰ و همان، سند شماره ۱۲۱۵۹/۳۲۰).

در مرحله اول اصلاحات ارضی در برخی از مناطق کشور روستاییان شخصاً شروع به تقسیم املاک مالکان در میان خود کردند. در بیرجند نیز این امر اتفاق افتاد. براساس تلگرافی که علی جان حبیبیان به اسد الله علم زد و در طی آن اعلام کرد که در آب کوه خضری خرید و فروش املاک صورت می گیرد. اسدالله علم به نماینده ی خود مرتضی جانباز تلگراف زد و از او خواست تا به این وضع رسیدگی کند (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۷۳۴۳۶).

مرحله دوم اصلاحات ارضی در شهرستان بیرجند

ژریم پهلوی از زمانی که برنامه اصلاحات ارضی را در سال ۱۳۴۰ ش. شروع کرد به هیچ وجه قصد نداشت تقسیم زمین را سراسری کند، تا این که افزایش نارضایتی و بی ثباتی در نواحی روستایی ضرورت چنین اقدامی را فراهم کرد. در پی آن، مرحله دوم اصلاحات ارضی با اجرای بندهای الحاقی آن در تیر ۱۳۴۳ ش. شروع شد (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۳۷). هدف مرحله دوم اصلاحات ارضی، حذف نظام سهم بری، بدون تغییر در نظام زمین داری بود. اجرای مرحله دوم تا بهمن ۱۳۴۴ ش. به تعویق افتاد، اما بعد از این که لایحه ی آن از تصویب مجلس گذشت به اجرا درآمد. در مرحله دوم اصلاحات ارضی، برای جلوگیری از تقسیم املاک مالکان به آن ها اجازه داده شد که یک پارچه از آبادی های خود را به زن و فرزندان خود منتقل کنند و هم چنین می توانند زمین های خود را کشت ماشینی کنند؛ زیرا زمین های زیر کشت ماشینی و باغ ها نیز از تقسیم معاف شدند و سرانجام به مالکان اجازه داده شد، که یکی از راه حل های زیر را انتخاب کنند:

۱- اجاره روستاها و اراضی به رعایا: اجاره به رعایا به صورت نقدی و براساس متوسط عواید سی سال قبل از اصلاحات ارضی بود. مدت اجاره ۳۰ سال و میزان اجاره هر ۵ سال قابل تمدید بود.

۲- فروش اراضی به رعایا: در این بند، براساس توافق دو جانبه در مورد قیمت زمین آن (بین مالک و رعیت)، به رعایا فروخته شد.

۳- تقسیم زمین به نسبت بهره ی مالکانه: براساس این بند زمین را براساس عرفی که در تقسیم محصول داشتند میان مالک و رعایا تقسیم می کردند. محصول براساس عوامل پنج گانه ی تولید یعنی زمین، آب، بذر، کار و وسیله ی شخم میان مالک و زارع تقسیم می شد. در این راه حل نیز زمین براساس حق السهمی که هر طرف از محصول دریافت می کردند، تقسیم می شد.

۴- تشکیل واحدهای سهامی زراعی: در این بند مالک و رعایا یک واحد مشترک تولید تشکیل می دادند، سهم هر یک از دو طرف از محصول براساس میزان دارایی هایشان در این واحد زراعی تعیین می شد.

۵- خرید حق ریشه ی زارعان: مالکانی که میزان زمین زیر کشت آن ها از حداکثری که قانون تعیین کرده بود تجاوز نمی کرد، می توانستند حق ریشه ی یا زارعان خود را خریداری کنند (ازکیا، ۱۳۷۰ الف: ۱۱۴).

مرحله دوم اصلاحات ارضی با همان هدفی که حکومت مد نظر داشت در بیرجند نیز اجرا شد زیرا با اجرای آن اکثر مالکان شهرستان بیرجند از میان ۵ بند الحاقی تعیین شده از سوی حکومت، اکثراً بند اول را انتخاب کردند و اراضی خود را براساس مقدار مال الاجاره ای که سه سال قبل از اجرای مرحله دوم اصلاحات ارضی بود به رعایایی که روی آن کار می کردند به اجاره دادند. میزان اجاره بهایی که روستاییان سالیانه می پرداختند بر دو قسم نقدی و جنسی بود؛ البته در این میان مالکان و زارعانی هم بودند که با توافق یک دیگر واحدهای سهامی زراعی نیز ایجاد کردند و بعد از تشکیل این واحدها در منطقه بیرجند حدود ۹۲/۴۶ درصد از خانوارهایی که این واحدها را ایجاد کرده بودند از وضع خود ناراضی بودند. روستای افضل آباد دهستان القورت بخش مرکزی بیرجند شمول مرحله ی دوم اصلاحات ارضی شد. مالکان و زارعان این روستا از بین بندهای الحاقی این مرحله، بند اجاره را انتخاب کردند و مالکان اراضیشان را به اعضای نسق اجاره دادند. مثلاً یک زارع به نام آقای X در قبال ۴۵۰ ریال مال الاجاره ۷/۵ فنجان از ۱۴۴۰ سهم را اجاره نمود. در این مرحله اکثر زارعان روستا علاوه بر زمین، آب را هم اجاره می کردند (دانشگاه تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بخش روستایی، ۱۳۴۸: ۳۲۶). روستای اکبر آباد نیز در مرحله ی دوم اصلاحات ارضی اجاره داده شد و زارعان صاحب نسق آن جا با اجاره اراضی مالکان در قبال پرداخت مال الاجاره نقدی، اراضی آن جا را زیر کشت بردند (اداره کل جهاد کشاورزی شهرستان بیرجند اسناد مربوط به اداره اصلاحات ارضی).

در این مرحله ی نیز تعدادی از مالکان بیرجند برای جلوگیری از تقسیم املاکشان، مقداری از آن را به اعضای خانواده ی خود منتقل کردند، از جمله اسدالله علم، او برای جلوگیری از تقسیم ملکش در روستای اسد آباد واقع در طبس مسینا، ۱۲ سهم از ۱۴ سهم مزرعه و قنات خود را در آن جا به دو دختر خود ناز و رودابه منتقل کرد و سند مالکیت به نام آن ها توسط اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ی ۹ خراسان صادر گردید (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۸۰۸۵). هم چنین شمار دیگری از مالکان برای جلوگیری از تقسیم املاکشان آن ها را کشت ماشینی نمودند. سازمان اصلاحات ارضی در بیرجند اراضی را کشت ماشینی معرفی می کرد که در آن ها کلیه عملیات کشاورزی با وسایل موتوری انجام می شد یعنی شخم زدن با تراکتور بود و از خرمن کوب، دیسک و تریلی برای کودکشی استفاده می کردند. مالکان باید در اراضی خود از کارگر استفاده می کردند و دیگر از زارعان سهم بر خبری نبود. وظیفه ی کارگران فقط آبیاری، وجین کردن و دروکردن محصولات کشاورزی بود و دستمزدهای آن ها به صورت روزانه و یا ماهیانه و نقدی و جنسی پرداخت می شد. براساس این اصول، سازمان اصلاحات ارضی بیرجند اراضی مالکان را کشت ماشینی تشخیص می داد. روستای منصورآباد واقع در بخش ۸ بیرجند و روستای سوغات و تقع در بخش نهبندان بیرجند که کلیه عملیات کشاورزی در آن جا با وسایل موتوری انجام می شد و از تراکتور و دیسک و خرمن کوب و تریلی برای کودکشی استفاده می شد و کلیه ی حقوق کارگران که تا قبل از سال ۱۳۴۰ ش. براساس ادعای خودشان زارعان سهم بر بودند و از این

سال به بعد به صورت کارگر در اراضی مالکان خدمت می کردند، روزانه و یا ماهیانه و به صورت نقدی و جنسی پرداخت می شد. کارگران در روستای سوغات دستمزد خود را روزانه دریافت می کردند که مقدار آن برای هر نفر ۳۵ ریال در روز بود و از مالک در آخر سال مقدار ۲۵ کیلو گندم و ۱۰۰ من جو و یک خروار کاه می گرفتند. کارگران روستای منصورآباد نیز مزد خود را به صورت ماهیانه دریافت می کردند و مقدار آن برای هر نفر ۱۵ من گندم و ۱۵ من جو و ۵۰۰ ریال وجه نقد و ۴ خروار گندم بود. تمام کارگران این دو روستا مدعی بودند که حدود ۱۰ سال یعنی تا قبل از اصلاحات ارضی به صورت کارگر در این اراضی مشغول به کار بودند و کلیه ی عملیات کشاورزی با تراکتور و وسایل ماشینی انجام می شد و آن ها فقط مسؤولیت آبیاری و دروکردن و وجین کردن محصولات را به عهده داشتند (آستان قدس رضوی، سازمان اسناد، سند شماره ۵۹۱۹) و هم چنین روستای موسویه که متعلق به اسدالله علم و همسرش ملک تاج قوامی و فرزندان ایشان بود در مرحله ی دوم اصلاحات ارضی بعد از رسیدگی اداره اصلاحات ارضی و تعاون روستایی بیرجند حدود ۳۰۰ هکتار از اراضی این روستا با توجه به مواد ۱۹ و ۲۰ آیین نامه ی مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی کشت ماشینی معرفی شد. روستای مختاران ملک خدیجه علم که از طرف نماینده اش در خواست ماشینی شدن به سازمان اصلاحات ارضی داد. براساس رسیدگی سازمان اصلاحات ارضی بیرجند مقدار ۳۶۰ هکتار آن جا به استثناء باغات، کشت ماشینی شناخته شد (آستان قدس رضوی، سازمان اسناد، سند شماره ۵۸۰۸).

به طور کلی، مرحله دوم اصلاحات ارضی در بیرجند حدود ۳۶۳۶ روستا و مزرعه را مشمول شد. از این تعداد، حدود ۱۵ روستا به رعایا اجاره داده شد و مالک بند الحاقی اول را برگزید و حدود ۷۰ روستا و مزرعه براساس بند الحاقی مرحله ی دوم اصلاحات ارضی فروخته شد و شماری از مالکان و زارعان با یک دیگر توافق نمودند و بند الحاقی ۴ را انتخاب کردند و با توافق هم، واحدهای سهامی زراعی را ایجاد کردند (اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان، ۱۳۴۹: ۱۶) در بیرجند حدود ۹۲ واحد سهامی زراعی که جمعا ۷۴۷/۶۶ هکتار نسق زراعی داشتند تشکیل شد. بیشتر کسانی که این واحدهای سهامی زراعی را تشکیل دادند به علت عدم بهره دهی آن ناراضی بودند. در واقع، ایجاد این واحدها در درآمد زارعان نسبت به قبل تغییری ایجاد نکرد (دانشگاه تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش روستایی، ۱۳۴۸: ۳۲۵-۳۲۷) به طور کلی از میان ۵ بند الحاقی، مالکان بیرجند اکثراً بند اجاره را برگزیدند. مثلاً در مرحله ی دوم اصلاحات ارضی، نماینده ی املاک زهره و بلقیس علم در تاریخ ۱۳۴۷/۱۲/۱ ش. در طی نامه ای به سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان بیان کرد که املاک زهره علم در قاینات و تربت حیدریه مورد بررسی قرار گرفته است. اگر سازمان اصلاحات ارضی اجازه دهد روستاهای حسین آباد خواف شش دانگ، صلیانی شش هفت دانگ، بنی آباد با شش دانگ، داورآباد با شش دانگ، مهدی آباد با شش دانگ، یزدان با شش دانگ، طاغان شهباز با شش دانگ، اکبرآباد با ۴ سهم، و سیدآباد با سه دانگ براساس مواد الحاقی قانون اصلاحات ارضی به صورت اجاره در اختیار زارعیانی که روی آن اراضی کار می کنند قرار بگیرد (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۷۵۰۴). روستای حسین آباد واقع در

بخش ۱۳ بیرجند که متعلق به خرده مالکان آن روستا بود و هم چنین روستای تنگل در نزدیکی بیرجند نیز از جمله روستاهایی بودند که مشمول مرحله دوم اصلاحات ارضی و بند اجاره قرار گرفتند.

علاوه بر بندهای الحاقی که در مرحله دوم به مالکان پیشنهاد شد، در این مرحله ی، به وضع زارغانی که در اراضی موقوفه کار می کردند نیز توجه شد. مطابق با قوانین مرحله دوم اصلاحات ارضی، روستاهای موقوفه ی عام باید در اختیار رعایای آن، به اجاره ی ۹۹ ساله درمی آمد و موقوفات خاص یا باید از سوی رعایا خریداری می شد و یا به اجاره ۳۰ ساله آنان در می آمد (ازکیا، ۱۳۷۰ الف: ۱۱۴) در بیرجند نیز در این مرحله وضع املاک وقفی مشخص شد و از حدود ۱۹۶۰ روستا و مزرعه که در وقف عام بود و از ۵ روستا و مزرعه که در وقف خاص بود بند اجاره را انتخاب کردند (اداره ی کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان، ۱۳۴۹: ۱۶). بنابراین در پی اجرای مرحله دوم اصلاحات ارضی، اداره اوقاف شهرستان بیرجند اراضی وقفی آن جا را به کشاورزانی که روی آن کار می کردند، اجاره داد (اداره ی کل امور عشایر خراسان، ۱۳۷۴: ۱۱-۱۲) اما این اراضی فقط شامل اراضی بود که توسط اداره ی اوقاف شهرستان بیرجند اداره می شد و براساس متن وصیت نامه اسدالله عَلم این قانون اراضی وقفی خاندان علم را در بر نگرفت و هیچ یک از اراضی وقفی آن ها در مرحله دوم به زارعان نه اجاره داده نشد و نه به فروش رسید (طلوعی، ۱۳۸۳: ۶۳۳) و بیشتر املاک وقفی اجاره داده شده در این مرحله، شامل املاک وقفی عام بود. روستای بهلگرد از جمله روستاهایی بوده که دارای اراضی موقوفه عام بوده است. اراضی وقفی این روستا در مرحله دوم مشمول بند اجاره شد. مثلاً یکی از زارعان این روستا - که نام آن در اسناد اصلاحات ارضی بایگانی شده در اداره ی کل جهاد کشاورزی خراسان جنوبی موجود می باشد اما مسؤلان ذی ربط اجازه ذکر نام هیچ یک از زارعان و مالکان را ندادند - در قبال زمینی که اجاره کرد باید مبلغ ۴۲۰ ریال می پرداخت. هر یک از زارعان این روستا برای اجاره اراضی که مشمول بند اجاره مرحله دوم شده بود باید دو ضامن می داشتند و مال الاجاره را به دو صورت نقدی و جنسی پرداخت می کردند (اداره ی کل جهاد کشاورزی بیرجند اسناد مربوط به اداره اصلاحات ارضی). به طور کلی، روستای بهلگرد به ۴ زارع اجاره داده شد و برای هر یک از زارعان اجاره بهای متفاوت تعیین گردید. در جریان اجرای برنامه اصلاحات ارضی، برخی از روستاییان از این شرایط به نفع خود استفاده و به دروغ مدعی می شدند که برخی از اراضی و یا آب را خریده و یا اجاره کرده اند مثلاً در همین روستای بهلگرد یکی از زارعان به نام سید محمد بهلگردی مدعی بود آب موقوفه ی حمام روستا در جریان اصلاحات ارضی به او فروخته شده است. او از رسیدن آب به حمام جلوگیری می کرد که این امر موجب ناراحتی و اعتراض اهالی روستا به سازمان اصلاحات ارضی بیرجند شد و آن ها خواهان رسیدگی به این امر شدند و در طی نامه ی خود متذکر شدند که این آب از موقوفات محمد ابراهیم خان می باشد که وقف حمام روستا شده است. اهالی روستا طی این نامه از اداره اصلاحات ارضی خواستند به این جریان رسیدگی کند که آیا آب حمام مشمول اصلاحات ارضی شده و به این زارع فروخته شده و یا او خودسرانه آب را تحت تملک خود درآورده است. اراضی موقوفه ی روستای افضل آباد نیز مشمول این مرحله شد و زارعان آن جا این اراضی را اجاره و زیر کشت بردند. به طوری کلی در پی اجرای مرحله دوم اصلاحات

ارضی در این شهرستان، اکثر مالکان برای جلوگیری از تقسیم اراضی شان آن ها را اجاره دادند و از میان اراضی موقوفه، بیشتر موقوفه عام به زارعان اجاره داده شد.

مرحله سوم اصلاحات ارضی در شهرستان بیرجند

مرحله سوم اصلاحات ارضی در نتیجه ی افزایش نارضایتی زارعان طی سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ ش. که ناشی از اجرای بند الحاقی اجاره داری مرحله دوم اصلاحات ارضی بود توسط دولت به اجرا درآمد (ازکیا، ۱۳۷۰: ۲۱۰-۲۱۳؛ هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۳۱). در این مرحله، ۵ بند الحاقی مرحله دوم اصلاحات ارضی که به زارعان پیشنهاد شده بود از میان برداشته شد و تلاشی به منظور از بین بردن مناسبات ارباب - رعیتی صورت گرفت (ازکیا، ۱۳۷۰ الف: ۱۱۶). این چنین بود که با دخالت دولت قراردادهای اجاره داری نقض شد و قانونی تحت عنوان اصلاحیه ای بر قانون اصلاحات ارضی در ۲۳ دی ۱۳۴۸ به تصویب رسید (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۳۶). در این مرحله، به مالکان پیشنهاد شد که یا زمین زراعی را به نسبت بهره ی مالکانه میان خود و اجاره داران تقسیم کنند و یا آن را به رعایا بفروشند (ازکیا، ۱۳۷۰: ۲۱۰-۲۱۳). با اجرای مرحله سوم اصلاحات ارضی در بیرجند، اداره اصلاحات ارضی بیشتر اراضی مجهول المالك و یا اراضی وقفی را به اجاره داران آن که اعضای نسق بودند، فروختند و کم تر مالکی در این منطقه در مرحله سوم اراضی را از دست داد (اداره کل جهاد کشاورزی شهرستان بیرجند اسناد مربوط به اداره اصلاحات ارضی).

بنابراین در مورد اجرای قانون تقسیم و فروش زمین های مورد اجاره به کشاورزان مستأجر از بدو اجرا تا آخر وقت اداری روز ۱۳۴۹/۱۰/۳۰ ش. در شهرستان بیرجند جمعاً ۳ روستا و مزرعه متعلق به ۹ نفر مالک که به اجاره داده بود میان ۱۹ نفر کشاورز (زارع) تقسیم و آن ها صاحب آب و زمین شدند و هم چنین ۱۶ روستا و مزرعه که متعلق به ۱۹۴ مالک بود راه حل دوم یعنی فروش را انتخاب کردند. در نتیجه ی فروش املاک آن ها، ۴۰۵ نفر زارع صاحب نسق دارای آب و زمین شدند (اداره ی کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان، ۱۳۴۹: ۱۶). بنا بر تبصره ی یک ماده ی ۲ قانون تقسیم و فروش مورد اجاره به زارعان مستأجر و ماده ۴ قانون مذکور مصوب ۱۳۴۷/۱۰/۲۳ ش. در بیرجند اجرا شد و روستای افضل آباد که در مرحله دوم مشمول بند اجاره شده بود در این مرحله مشمول بند فروش شد و حدود ۲۷ نفر از زارعان این روستا اراضی تحت اجاره ی خود را خریداری کردند و با اجرای این بند از مرحله ی سوم، ۲۲۹ سهم مشمول بند فروش قرار گرفت و به زارعان واگذار شد و برای همه ی زارعان صاحب نسق، سند مالکیت صادر شد و هم چنین روستای اکبر آباد مشمول این مرحله شد و ۲۴ نیم سهم از کل ۹۶۰ سهم اراضی این روستا مشمول مرحله سوم شد و بقیه سهام روستا که ۸۹۵ سهم بود به خرده مالکان تعلق داشت و توسط خودشان کشت می شد و مشمول اصلاحات ارضی نشد (اداره ی کل جهاد کشاورزی بیرجند اسناد مربوط اداره اصلاحات ارضی).

سیاست های دولت از سال ۱۳۴۵ ش. بر آن بود که مسأله ی قطعه قطعه بودن اراضی - که ناشی از اصلاحات ارضی بود - را در جهت افزایش تولید کشاورزی حل کند. برخی از سیاست مداران معتقد بودند که اصلاحات ارضی به معنی تقسیم زمین نیست و همه ی زارعان نباید صاحب زمین شوند. بدین جهت بود که شماری از برنامه ریزان حکومتی، واحدهای بزرگ تولیدی را که شامل کشت و صنعت، شرکت های سهامی زراعی و شرکت های تعاون روستایی می شد، ایجاد کردند (ازکیا، ۱۳۷۰: ۲۱۳-۲۱۴). این واحدها در مرحله ی سوم اصلاحات ارضی ایجاد شدند که با این اقدام زارعان از مالکیت در اراضی شان محروم شدند. شرکت های سهامی زراعی به تقلید از الگوهای مشاورهای اسرائیلی یعنی تعاونی های تولیدکنندگان انفرادی ایجاد شد و بسیاری از مدیران آن در اسرائیل تعلیم دیده بودند (هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۲۱). تعدادی از این شرکت ها تا سال ۱۳۵۱ ش. مثل قارچ در کشور سبز شدند، که تا این سال، حدود ۴۳ شرکت زراعی در ایران تأسیس شد. اگرچه هدف ظاهری این شرکت ها تبدیل شیوه های سنتی کشاورزی ایران به شیوه های کشت ماشینی جدید بود با این حال، تأسیس این شرکت ها ماهیت اصلی اصلاحات ارضی را برملا کرد و نشان داد که هدف اصلی حکومت پهلوی دوم از تقسیم اراضی بزرگ مالکان به اراضی کوچک و سپس تمرکز این اراضی در شرکت های زراعی، عملاً انتقال قدرت به مدیرانی بود که از سوی دولت انتخاب می شدند (سلیمان دارابی، ۱۳۸۴: ۱۸۱). در اجرای قانون تشکیل شرکت های سهامی زراعی که منظور از آن فراهم نمودن موجبات افزایش درآمد سرانه ی کشاورزان و فراهم آوردن امکانات همه جانبه برای به کار بردن ماشین آلات کشاورزی در امر تولید محصولات کشاورزی، آشنا کردن کشاورزان با اصول و شیوه های جدید کشاورزی و حداکثر استفاده از نیروی انسانی موجود در روستاها در قطب های کشاورزی و صنعتی مملکت و برای جلوگیری از خرد شدن و تقسیم اراضی مزروعی به قطعات غیر اقتصادی و افزایش میزان سطح زیر کشت کشور با استفاده از اراضی بایر و موات و هم چنین اعمال مدیریت صحیح در امر زراعت با استفاده از کودهای شیمیایی مبارزه با آفات و رعایت اصول صحیح بازاریابی بود (اداره ی کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان، ۱۳۴۹: ۵۴؛ سوداگر، ۱۳۶۹: ۳۲۲). در نتیجه، در استان خراسان که استانی وسیع بود ۴ شرکت سهامی زراعی به ترتیب نیم بلوک بالا قائنات و نیم بلوک پایین قائنات، تربت جام و فرحناز در حوزه ی شهرستان های بیرجند، تربت جام و نیشابور تشکیل شد (اداره ی کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان، ۱۳۴۹: ۵۴). وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی در منطقه ی نیم بلوک قائنات که در آن جا کشاورزان بر اثر زلزله ای که در سال ۱۳۴۷ اتفاق افتاد دچار ضرر و زیان بسیاری شدند و وسایل و امکانات خود را برای ادامه ی فعالیت کشاورزی از دست دادند، اقدام به تشکیل شرکت سهامی زراعی کرد. بنابراین دولت در تاریخ ۲۸ و ۲۹ شهریور ۱۳۴۷ ش. دو شرکت مزبور را تشکیل داد (وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، ۱۳۴۸: ۱؛ علم: ۱۳۷۷، ۲۷۱؛ بذرافشان، ۱۳۹۰: ۹۰؛ شیخ زاده، ۱۳۹۰: ۵۷ - ۵۹). علاوه بر این وزارت اصلاحات ارضی اقداماتی برای کمک به مردم زلزله زده انجام داد. تهیه ی آذوقه و خوراک و سایر نیازهای کشاورزان از نظر وسایل زندگی، تمدید وام های سررسید شده ی آنان، تهیه ی بذر برای کشت پاییزه ی اعضای شرکت های تعاونی مناطق زلزله زده، پرداخت وام های جدید با نرخ بهره ی ۴٪، تعمیر خانه های مسکونی آنان، لایه رویی و تعمیر قنات ها و حفر ۶ حلقه چاه از دیگر اقدامات انجام شده وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی در

روستاهای حوزه عمل شرکت های تعاونی مناطق زلزله زده بیرجند در سال ۱۳۴۷ ش. بود (وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، ۱۳۴۷: ۱-۸).

در این مرحله نیز همانند دو مرحله ی قبل، شماری از مالکان شهرستان بیرجند برای این که از تقسیم املاک خود جلوگیری کنند، اراضی شان را کشت ماشینی نمودند. از جمله روستاهایی که در طی این مرحله از اصلاحات ارضی کشت ماشینی شدند عبارت از: روستای یزدان واقع در بخش زیرکوه قاین، روستای علی آباد واقع در بخش شهاباد بیرجند، روستای حسین آباد خطیبی واقع در بخش زیرکوه قاین و روستای اکبرآباد واقع در بخش ۴ بیرجند بودند. در تمامی این روستاها زارعان به صورت کارگر روی اراضی مالکان کار می کردند و در مقابل آن به صورت روزانه و یا ماهیانه دست مزد دریافت می کردند و کلیه ی عملیات کشاورزی در آن روستاها با تراکتور، خرمن کوب، دیسک و کودکشی با تریلی انجام می شد. مثلاً روستای علی آباد با شماره پلاک ۸۳۱ اصلی واقع در بخش شهاباد بیرجند مقدار ۷ سهم از ۱۴ سهم این روستا متعلق به زهره علم بود که در تاریخ ۱۳۴۸/۸/۱۴ از طرف سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستایی شهرستان بیرجند کشت ماشینی تشخیص داده شد. مهندس فرخنده یی معاون اداره اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان و بیژن طاهریان رئیس اداره اصلاحات ارضی و تعاون روستایی بیرجند و محمدحسین برات زاده عضو کمیسیون تشخیص کشت ماشینی شهرستان بیرجند به منظور رسیدگی به وضع روستای علی آباد به آن جا رفتند و آنان در مورد نحوه ی بهره برداری از اراضی روستا سؤالاتی از روستاییان پرسیدند: ۱- چند سال است که شما زارع این روستا هستید و نحوه ی بهره برداری و تقسیم محصول در این جا، به چه ترتیبی است؟ زارعان پاسخ دادند که حدود ۱۰ سال است به شکل کارگر کار می کنیم. زارع نبوده و نیستیم و در مقابل کار، ماهیانه برای هر نفر کارگر ۲۵ من گندم و ۱۵ من جو و ۵۰۰ ریال وجوه نقد و ۴ خروار کاه در آخر سال در موقع برداشت محصول (خرمن) دریافت می کنیم و بسته به نوع کار و فصول زراعی، تعداد ما کارگران تغییر می کند. کشاورزی با تراکتور، خرمن کوب، دیسک و کودکشی با تریلی انجام می شود و وظیفه ی ما کارگران، فقط آبیاری و وجین کردن و درو محصولات است. منبع آب روستا قنات می باشد. مالک و سایر خرده مالکان تصمیم به حفر چاه عمیق دارند. بر این اساس بود که اعضای کمیسیون تشخیص کشت ماشینی حدود ۴۵ هکتار از اراضی علی آباد را که از قبل از تاریخ ۴۰/۱۰/۱۹ ش. که به وسیله ی کارگر کشاورزی و با استفاده از ماشین آلات کشاورزی زراعت می شد کشت ماشینی تشخیص دادند و آن جا مشمول قانون اصلاحات ارضی نشد (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، شماره سند ۷۵۰۴: ۷۱-۷۶). از نمونه روستاهایی که در مرحله سوم اصلاحات ارضی به زارعان منتقل و به آنها فروخته شد می توان به روستاهایی مانند صلابانی واقع در دهستان نیم بلوک بخش قاین شهرستان بیرجند که متعلق به بلقیس دختر شوکت الملک بود که ۲ سهم از ۱۴ سهم روستا متعلق به او بود که توسط ورثه اش به سازمان اصلاحات ارضی خراسان واگذار شد. هم چنین در این روستا زهره علم خواهر بلی از کل ۱۴ سهم روستا ۲ سهمی که متعلق به خودش بود را به سازمان اصلاحات ارضی داد. علاوه بر این، این دو خواهر در روستای آب کوه خضری دهستان نیم بلوک بخش قاین دارای سهم بودند. کل سهام این روستا ۲۸۸۰ سهم بود که بلی ۵۶۴ سهم از مقدار

سهام خود و زهره ۱۲ سهم خود را به سازمان اصلاحات ارضی خراسان واگذار کردند (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۸۰۸۵). سهم بلی از روستای صلایانی به مبلغ ۹۹۰۲۴۸ ریال خریداری شد و قرار شد خریدار آن را در طی ۱۵ قسط به ورثه ی بلی پرداخت کند و مبلغ هر قسط ۷۰۷۳۲ ریال بود. قسط اول در همان ابتدا از خریدار گرفته شد ولی باقی اقساط قرار شد که هر سال در تاریخ ۵/۲۸ هر سال به حساب فروشنده واریز شود. پرداخت قسط دوم ۱۳۴۹/۵/۲۸ تعیین گردید و آخرین قسط باید در ۱۳۶۲/۵/۲۸ پرداخت می شد. هم چنین سهم بلی از روستای آب کوه خضری به مبلغ ۴۶۶۷۶۰ ریال از ورثه ی او خریداری شد و پول آن جا نیز باید در طی ۱۵ قسط و هر قسط به ارزش ۳۳۳۴۰ ریال در تاریخ ۵/۲۸ هر سال پرداخت می شد و آخرین قسط باید در سال ۱۳۶۲ ش. پرداخت می شد. در مورد قیمت و اقساط املاک زهره علم، سندی موجود نبود (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۷۰۷۶). زارعان بیرجند که در نتیجه ی مرحله سوم اصلاحات ارضی صاحب زمین شدند اقساط خود را به موقع پرداخت نمی کردند. به طوری که محمد حسن اعلم، در طی یک نامه ای به مهندس طاهری رئیس اداره اصلاحات ارضی بیرجند بیان کرد که روستاها به موقع واگذار شد و اسناد آن ها تنظیم گردید؛ اما قسط اول هنوز پرداخت نشده است. او خواستار پرداخت به موقع اقساط و قسط اول شد و تأکید کرد که پرداخت اقساط نباید به تأخیر بیفتد. او این درخواست را در تاریخ ۴۹/۳/۱۴ ش. تنظیم و به سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستایی بیرجند فرستاد (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۵۹۱۹). هم چنین در روستای صلایانی خدیجه علم، خلیل الله خزیمه، عیسی خزیمه، سودابه خزیمه و اسماعیل خزیمه هر کدام داری ۲ سهم بودند، آن ها نیز سهام خود را به سازمان اصلاحات ارضی واگذار کردند. این روستا کاملاً مشمول مرحله ی سوم اصلاحات ارضی شد و تمامی اراضی آن جا از دست مالکان شان خارج و به زارعان واگذار شد (آستان قدس رضوی. سازمان اسناد، سند شماره ۷۵۰۴). روستای بهلگرد که در مرحله ی دوم اصلاحات ارضی اجاره داده شده بود، در این مرحله مشمول بند فروش شد و به زارعی که آن جا را اجاره کرده بودند فروخته شد. ضریب منطقه بهلگرد ۱۳۰ بود که با ضرب کردن ضریب منطقه در میزان مالیات پرداختی مالکان، قیمت اراضی آن ها مشخص شد. یکی از مالکان این روستا ۱۶ سهم از کل ۹۶۰ سهم روستا را داشت و او به میزان ۱۶۳/۴۸۱۶ ریال مالیات پرداخت کرده بود که براساس این مقدار مالیات و ضریب منطقه، قیمت زمین واگذاری اش به دولت تعیین شد و قرار شد که خریدار، پول زمین را در طی ۱۴ قسط ۱۲ ساله به مالک پرداخت کند و ارزش زمین این مالک ۲۱۲۵۲ ریال تعیین شد (اداره ی کل جهاد کشاورزی شهرستان بیرجند اسناد مربوط به اداره اصلاحات ارضی). هر یک از مالکان این روستا قبل از واگذاری اراضی خود به دولت، اراضی خود را اندازه گیری کردند و میزان اراضی زیر کشت و بایر و موات خود را مشخص و آمار آن را به سازمان اصلاحات ارضی شهرستان دادند تا سازمان اصلاحات ارضی تعیین کند که اراضی آن ها مشمول مرحله ی سوم اصلاحات ارضی می شود یا نمی شود (اداره کل جهاد کشاورزی بیرجند اسناد مربوط به اداره اصلاحات ارضی).

نتیجه

برنامه اصلاحات ارضی که در فاصله ی سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۱ ش. در دوره ی پهلوی دوم (محمدرضا شاه) اجرا شد، یک جریان کلی و سراسری بود و سراسر کشور از جمله شهرستان بیرجند را فراگرفت. از همان سال های اولیه ی اجرای برنامه اصلاحات ارضی، این برنامه در بیرجند نیز اجرا شد. اصلاحات ارضی سه مرحله داشت، که هر سه مرحله ی آن در این منطقه به اجرا درآمد. براساس مطالعات انجام شده در مرحله ی اول اصلاحات ارضی در بیرجند، آن دسته از مالکان که املاک آن ها از شش دانگ بیشتر بود، با حفظ یک روستای شش دانگ و یا شش دانگ پراکنده در روستاهای مختلف، بقیه اراضی شان مشمول اصلاحات ارضی می شد و باید به دولت واگذار می کردند، اما مالکان بیرجند بیشتر از یک روستای شش دانگ را برای خود حفظ کردند و مقدار بسیار کمی از اراضی خود را به دولت واگذار کردند. در این مرحله اراضی خریداری شده توسط دولت میان زارعان صاحب نسق تقسیم شد. در بیرجند در جریان اجرای برنامه اصلاحات ارضی، فقط اراضی آبی میان زارعان تقسیم گردید؛ زیرا اراضی دیم به علت خشک بودن منطقه و کمبود آب، ارزش اقتصادی چندانی نداشت و آن ها به تمامی روستاییان تعلق داشت. در مرحله ی اول اصلاحات ارضی در بیرجند، تقسیم زمین نابرابر صورت گرفت؛ زیرا برخی از روستاییان در این جریان سه تا چهار هکتار زمین آبی و برخی دیگر یک و گاهی کم تر از یک هکتار زمین آبی دریافت کردند. در این مرحله در بیرجند، علاوه بر تقسیم زمین میان روستاییان، قنات، حقابه و چشمه نیز تقسیم شد، یعنی آن ها علاوه بر زمین، صاحب آب نیز شدند. مرحله ی اول اصلاحات ارضی در بیرجند چندان گسترده نبود و فقط ۱۰ روستا شامل شد. اراضی خریداری شده بلافاصله به زارعان منتقل و به نام آن ها سند مالکیت صادر شد. کسانی که در بیرجند در این مرحله صاحب زمین شدند پول زمین را در طی ۱۴ قسط ۱۵ ساله پرداختند. روستاییان بیرجند نسبت به دیگر زارعان سراسر کشور، تمامی اقساط خود را مرتب پرداخت می نمودند. در این مرحله، دولت به مالکان اجازه داد با ماشینی کردن اراضی خود از تقسیم آن ها جلوگیری کنند. براین اساس شماری از مالکان بیرجند با ماشینی کردن اراضی شان از تقسیم آن ها جلوگیری نمودند، که در این زمینه می توان به خاندان علم اشاره کرد. از آن جایی که مالکیت بیشتر اراضی این منطقه، در دست خاندان علم بود و آن ها تمایل زیادی به واگذاری اراضی خود به زارعان نداشتند و در نتیجه، با استفاده از مفرهای قانونی که دولت برای حفظ مالکیت مالکان فراهم کرده بود، موفق به حفظ اراضی خود شدند. در واقع، آن ها در این مرحله بیشتر از یک روستای شش دانگ را برای خود نگه داشتند. گروه دیگر مالکان منطقه که نفوذ و قدرت سیاسی نداشتند و از طرفی تابع حکومت مرکزی بودند، اراضی خود را به دولت واگذار کردند و براساس مقدار مالیاتی که مرتب پرداخت کرده بودند، پول زمین هایشان را دریافت نمودند.

مرحله دوم اصلاحات ارضی بیشتر روی شکل اجاره داری تمرکز یافته بود و در جهت حفظ مالکیت مالکان اجرا شد. در این مرحله، مالکان بیرجند مانند مالکان سراسر کشور از میان ۵ بند الحاقی به قانون اصلاحات ارضی باید یکی را انتخاب می کردند. از میان ۵ راه حل پیشنهاد شده اکثر آن ها بند اول، یعنی اجاره را انتخاب و با این کار، مالکیت اراضی شان را

حفظ نمودند. زارعان بعد از اجاره اراضی، باید سالیانه مال الاجاره آن ها را به صورت نقدی و جنسی پرداخت می کردند، اما از آن جایی که منطقه خشک بود برخی از زارعان، به علت خشکسالی قادر به پرداخت مال الاجاره ی خود نبودند. بعد از بند اجاره، بند چهارم یعنی تشکیل واحد سهامی زراعی توسط مالکان بیرجند انتخاب شد. در واقع، مالکان بیرجند با انتخاب این بند، باعث حفظ نظام بهره برداری به شیوه ی سهم بری شدند. براساس این بند، مالک و زارع یک واحد سهامی زراعی ایجاد کردند و اراضی را به شیوه ی سهم بری زیر کشت می بردند و محصولات به دست آمده را براساس میزان سهام خود در آن واحد زراعی تقسیم می کردند. در بیرجند در مرحله دوم اصلاحات ارضی، مالکان کم تر بند فروش را انتخاب کردند. در نتیجه، میزان اراضی فروخته شده به زارعان در این مرحله نسبت به مرحله اول، اصلاحات ارضی بسیار کم بود. در این مرحله نیز مانند مرحله اول، شماری از مالکان این منطقه برای این که از تقسیم اراضی شان جلوگیری کنند آن ها را کشت ماشینی کردند تا مشمول هیچ یک از بندهای الحاقی نشوند. اراضی توسط سازمان اصلاحات ارضی بیرجند کشت ماشینی شناخته می شد که در آن ها از کارگر مزدبگیر و وسایل کشاورزی موتوری نظیر تراکتور، کمباین، دیسک و گاوآهن استفاده می شد. خاندان علم در این مرحله نیز از طریق ماشینی کردن و یا با انتقال اراضی شان به اعضای خانواده شان، از تقسیم آن ها جلوگیری نمودند. هم چنین در مرحله دوم، به وضع زارعی که در اراضی وقفی کار می کردند نیز توجه شد و قرار شد اراضی وقفی نیز به زارعی که روی آن کار می کنند فروخته و یا اجاره داده شود. اداره اوقاف شهرستان بیرجند، تمامی اراضی وقف عام موجود در این شهرستان را در عوض مال الاجاره نقدی و جنسی به زارعی که روی آن ها کار می کردند اجاره داد. به طور کلی با اجرای مرحله دوم اصلاحات ارضی در بیرجند، اکثر مالکان آن جا اراضی شان را اجاره دادند، با این وجود اراضی اجاره داده شده ی اداره اوقاف بیشتر از مالکان بود و بعد از بند اجاره، ایجاد واحدهای سهامی زراعی بیشتر توسط آن ها انتخاب شد. بند اجاره در مرحله ی دوم باعث افزایش نارضایتی زارعان شد به گونه ای که دولت برای حل آن، مرحله سوم اصلاحات ارضی را به اجرا گذاشت. در این مرحله مالکان باید کلیه اراضی اجاره داده شده ی خود را به زارعان می فروختند. مرحله سوم اصلاحات ارضی در بیرجند نیز اجرا شد و تمامی اراضی که در مرحله قبل، به رعایا اجاره داده شده بود به آن ها فروخته شد. از آن جایی که در مرحله قبل بیشتر اراضی وقفی اجاره داده شد، در نتیجه در این مرحله، بیشتر آن ها به روستاییان واگذار شد و هم چنین در این مرحله، تعداد زیادی از اراضی وقفی و اراضی که مجهول المالک بود به زارعان فروخته شد. به طور کلی در مرحله سوم اصلاحات ارضی در بیرجند، بیشتر اراضی وقفی و اراضی که مجهول المالک بودند به روستاییان فروخته شد و شمار مالکانی که اراضی شان را به روستاییان دادند بسیار کم بود. در این مرحله نیز شماری از مالکان بیرجند، با ماشینی کردن اراضی خود از تقسیم آن ها جلوگیری کردند. در این مرحله، دولت علاوه بر فروش و دادن زمین به کشاورزان، به دنبال افزایش تولید محصولات کشاورزی و افزایش درآمد سرانه خانوار کشاورز و حل مسأله قطعه قطعه بودن اراضی کشاورزی که ناشی از اجرای برنامه اصلاحات ارضی بود برآمد و بدین منظور واحدهای بزرگ تولید، مانند شرکت های سهامی زراعی و تعاونی های تولید و کشت و صنعت ها را ایجاد کرد. به دنبال این تصمیم و بعد از زلزله شهریور سال ۱۳۴۷ ش. در این منطقه شرکت سهامی زراعی نیم بلوک بالا و پایین قاینات تأسیس شد. شرکت سهامی زراعی نیم بلوک بالا و

پایین قاینات یکی از موفق ترین شرکت های سهامی کشور تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش. بود؛ به گونه ای که این شرکت در جریان انقلاب منحل شد ولی بعد به درخواست اعضاء، دوباره احیا شد. با ایجاد این دو شرکت، سطح اراضی زیر کشت آبی و دیمی روستاهای حوزه ی عمل شرکت افزایش یافت و کشاورزی ماشینی جای کشاورزی سنتی را گرفت و در نتیجه، میزان درآمد روستاییان که در این دو شرکت دارای سهام بودند نیز افزایش یافت.

به طور کلی اجرای محدود و پراکنده ی برنامه ی اصلاحات ارضی در بیرجند نتوانست نظام ارباب - رعیتی را از بین ببرد و نظام زمین داری را دگرگون کند؛ زیرا مالکان بیرجند، به خصوص خاندان علم که از بزرگ مالکان منطقه بودند با اجرای برنامه اصلاحات ارضی، چیزی از املاک و اراضی خود را از دست ندادند و آن ها با استفاده از مفرهای قانونی و ماشینی کردن اراضی شان و ترفند و نفوذ سیاسی خود در دستگاه حکومت، توانستند اراضی خود را از تقسیم حفظ نمایند. بنابراین اجرای برنامه اصلاحات ارضی در بیرجند، بسیار محدود و پراکنده بود و روستاییان زیادی را در بر نگرفت. روستاییان شهرستان بیرجند در جریان اصلاحات ارضی، متوسط زمینی را که برای معاش یک خانوار لازم بود، کسب نکردند. در نتیجه، اصلاحات ارضی نتوانست درآمد آن ها را از زراعت افزایش دهد، به گونه ای که اکثر آن ها جزء کشاورزی به مشاغل دیگر از جمله دامداری، تولید صنایع دستی و به کارگری در روستا و شهر پرداختند.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۴۶). منوگرافی حاجی آباد، بررسی اقتصادی اجتماعی روستاهای بیرجند. دانشگاه تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات روستایی.
۲. ----- (۱۳۷۰ الف). جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. تهران: اطلاعات.
۳. ----- (۱۳۷۰ ب). مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی. تهران: اطلاعات.
۴. اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان (۱۳۴۹). فعالیت های اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان. مشهد: اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی خراسان.
۵. اداره کل امور عشایر خراسان (۱۳۷۴). وضعیت اجتماعی و زیست بوم زیرکوه قاینات. جهاد سازندگی، جهاد کشاورزی خراسان.
۶. بذرافشان، س. (۱۳۹۰). "بررسی نقش خدمات شرکت های تعاونی تولید روستایی بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی اعضاء". پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.

۷. بیل، جیمز آلین (۱۳۷۸). سیاست در ایران، گروه ها و طبقات و نوسازی. ترجمه علی مرشدی زاده. تهران: اختران.
۸. پورافکاری، نصرت الله (۱۳۵۲). جامعه شناسی روستایی، روش پژوهش در روستاها. بی جا: بی نا.
۹. تجدد، حسین (۱۳۸۷). "پیامدهای مثبت و منفی اجرای اصلاحات ارضی در ایران". نشریه ادبیات و زبان ها، حافظ. ش ۵۴ (تابستان): ۵۰-۵۶.
۱۰. خلجی، عباس (۱۳۸۱). اصلاحات آمریکایی و قیام ۱۵ خرداد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. دانشگاه تهران. مؤسسه ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش روستایی (۱۳۴۶). بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاهای بیرجند. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش روستایی.
۱۲. ----- (۱۳۴۸). بررسی نتایج اصلاحات ارضی در بیرجند، قصر شیرین، همدان، سنندج، گرمسار، گلپایگان و ساری. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش روستایی.
۱۳. سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۸). دایره المعارف نو، ج ۱. تهران: علم و زندگی.
۱۴. سلیمان دارابی، حجت (۱۳۸۴). "انقلاب اسلامی برای ایران چه کرد؟ اصلاحات ارضی، نابودی اقتصاد کشاورزی و از بین رفتن امنیت غذایی ایران در دوران پهلوی". نشریه تاریخ، ۱۵ خرداد، ش ۶ (زمستان): ۱۷۰-۲۰۰.
۱۵. سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۹). رشد روابط سرمایه داری در ایران (مرحله گسترش) ۱۳۵۷-۱۳۴۲. تهران: شعله اندیشه.
۱۶. شیخ زاده، م. (۱۳۹۰). "تحلیل عوامل مؤثر بر گرایش کشاورزان در واگذاری اراضی به شرکت های سهامی زراعی در استان خراسان جنوبی". پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند.
۱۷. طالب، مهدی (۱۳۶۸). "عوامل مؤثر در مهاجرت روستایی در ایران". نشریه جامعه شناسی و علوم اجتماعی، رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۲ (زمستان): ۱۴-۲۰.
۱۸. طلوعی، محمود (۱۳۷۶). بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فرودست، ج ۱. تهران: نشر علم.
۱۹. ----- (۱۳۸۳). چهره ی واقعی عَلم. تهران: علم.

۲۰. عجمی، اسماعیل (۱۳۴۸). "اثرات اصلاحات ارضی". نشریه ادبیات و زبان ها، خرد و کوشش، ش ۱۱ (پاییز): ۴۷-۲۵.
۲۱. علم، اسدالله (۱۳۷۷). یادداشت های غلم از ۴۷/۱۱/۲۴ تا ۱۳۴۸/۱۲/۲۹ ش. گردآوری علی نقی عالیخانی. تهران: کتاب سرا.
۲۲. فوران، جان (۱۳۷۷). تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ م. تا انقلاب. احمد تدین. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۲۳. مؤمنی، باقر (۱۳۵۹). مسأله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران. تهران: نشر مرکز.
۲۴. مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی (۱۳۶۹). ظهور و سقوط، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، ج ۲. تهران: اطلاعات.
۲۵. میکانیکی، جواد (۱۳۷۲). طرح پژوهشی بررسی روند تحولات مکانی- فضایی شهر بیرجند با تأکید بر ماهیت مناسبات شهر و روستا. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
۲۶. وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی (۱۳۴۷). گزارش اقدامات انجام شده در دهات حوزه عمل شرکت های تعاونی روستایی زلزله زده خراسان. بی جا: وزارت کل اصلاحات ارضی کشور.
۲۷. ----- (۱۳۴۸). گزارش فعالیت های یازده ماهه شرکت های سهامی زراعی نیم بلوک بالا و پایین. وزارت کل اصلاحات ارضی کشور. تهران: وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی.
۲۸. وزارت کشاورزی. اطلاعات و روابط عمومی (۱۳۴۰). اصلاحات ارضی در ایران. تهران: وزارت کشاورزی.
۲۹. هالیدی، فرد (۱۳۵۸). دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران. تهران: امیرکبیر.
۳۰. هوگلاند، اریک ج. (۱۳۸۱). زمین و انقلاب در ایران از ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: پژوهش شیرازه.

اسناد:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج ۱. ایران، سند شماره ۳۲۰/۲۵۰، سند شماره ۱۲۱۹۶/۳۲۰، سند شماره ۱۲۱۸۱/۳۲۰، سند شماره ۱۲۱۵۹/۳۲۰.

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس، سند شماره ۸۰۸۵، سند شماره ۳۱۶۹۴، سند شماره ۷۴۱۷، سند شماره ۷۳۴۳۶، سند شماره ۵۹۱۹، سند شماره ۵۸۰۸، سند شماره ۷۵۰۴، سند شماره ۷۰۷۶.